

اشاره

سفرنامه‌ها گنجینه‌هایی از اطلاعات هستند که از طریق آن‌ها می‌توان به واقعیت‌هایی از اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم، اعتقادات و فرازونشیب‌های زندگی جوامع مختلف در گذشته پی‌برد. هر سفرنامه نوعی گزارش است که نویسنده، یا همان مسافر، در قالب آن مشاهدات خود را بیان می‌کند و تصویری از مشاهدات خود را ارائه می‌دهد که حاوی نکات ارزشمندی برای مورخان، جغرافی‌دانان و مردم‌شناسان است. به‌عنوان نمونه می‌توان به سفرنامه ابن بطوطه و سفرنامه ابن جبیر اشاره کرد، که هر کدام به تنهایی آینه فرهنگ و تمدن اسلامی است. هر یک از این دو جهان‌گرد از سفرهای خود به سرزمین‌های مختلف گزارشی جذاب، ساده و دقیق از زندگی و آداب رسوم مردم ارائه داده‌اند، از این رو سفرنامه‌های ابن بطوطه و ابن جبیر را در زمره بهترین سفرنامه‌ها به شمار می‌آورند. پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی تطبیقی این دو اثر پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، ابن بطوطه، ابن جبیر

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا (سوره حج، ۴۶)

ابن بطوطه، جهانگرد و سفرنامه‌نویس مغربی (مراکشی) در قرن هشتم هجری می‌زیست. سفرنامه او به جهت در برداشتن اطلاعاتی در مورد آداب و رسوم، رخدادهای تاریخی، اجتماعی و نیز اطلاعات جغرافیایی بسیار ارزشمند است. او که مردی روشن‌بین بود در سفرنامه‌اش جهان را با زشتی‌ها و زیبایی‌هایش به ما می‌نماید. چیزی که سفرنامه این جهانگرد را از دیگر سفرنامه‌نویسان عصر تمدن اسلامی ممتاز کرده شیوه بیان او و انتخاب درست رویدادهاست.

ابن جبیر نیز از سیاحان و گردشگران اندلسی در قرن ششم هجری و قبل از ابن بطوطه است. او هدف خود را از نوشتن سفرنامه، دادن اطلاعات به مسافران و زائران خانه خدا بیان می‌کند. گزارش‌های او روزبه‌روز است و مطالب بسیار ارزنده‌ای در مورد

این آیه و بسیاری دیگر از آیات و روایاتی که مسلمانان را به گردش و سیاحت بر روی زمین ترغیب می‌کند. عامل مؤثری برای بسیاری از مسلمانان در سیاحت و جهان‌گردی بوده است. از جمله سیاحان بزرگ مسلمان ابن بطوطه و ابن جبیر هستند که هر کدام سفرنامه در خور توجهی از خود باقی گذاشته‌اند.

در بررسی این دو سفرنامه، که هر کدام اطلاعات گوناگونی در مورد سرزمین‌های مختلف به ما می‌دهند می‌خواهیم بدانیم که این دو مسافر دیده‌ها و شنیده‌های خود را چگونه به تصویر کشیده‌اند، و آیا توانسته‌اند آنچه را دیده‌اند به مخاطبان‌شان انتقال دهند یا نه؟ برای یافتن پاسخ این پرسش متن هر دو سفرنامه را به‌صورت مقایسه‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

زهرا قلعه آقابابی
دبیر تاریخ، تهران

بررسی تطبیقی

سفرنامه‌های ابن بطوطه و ابن جبیر

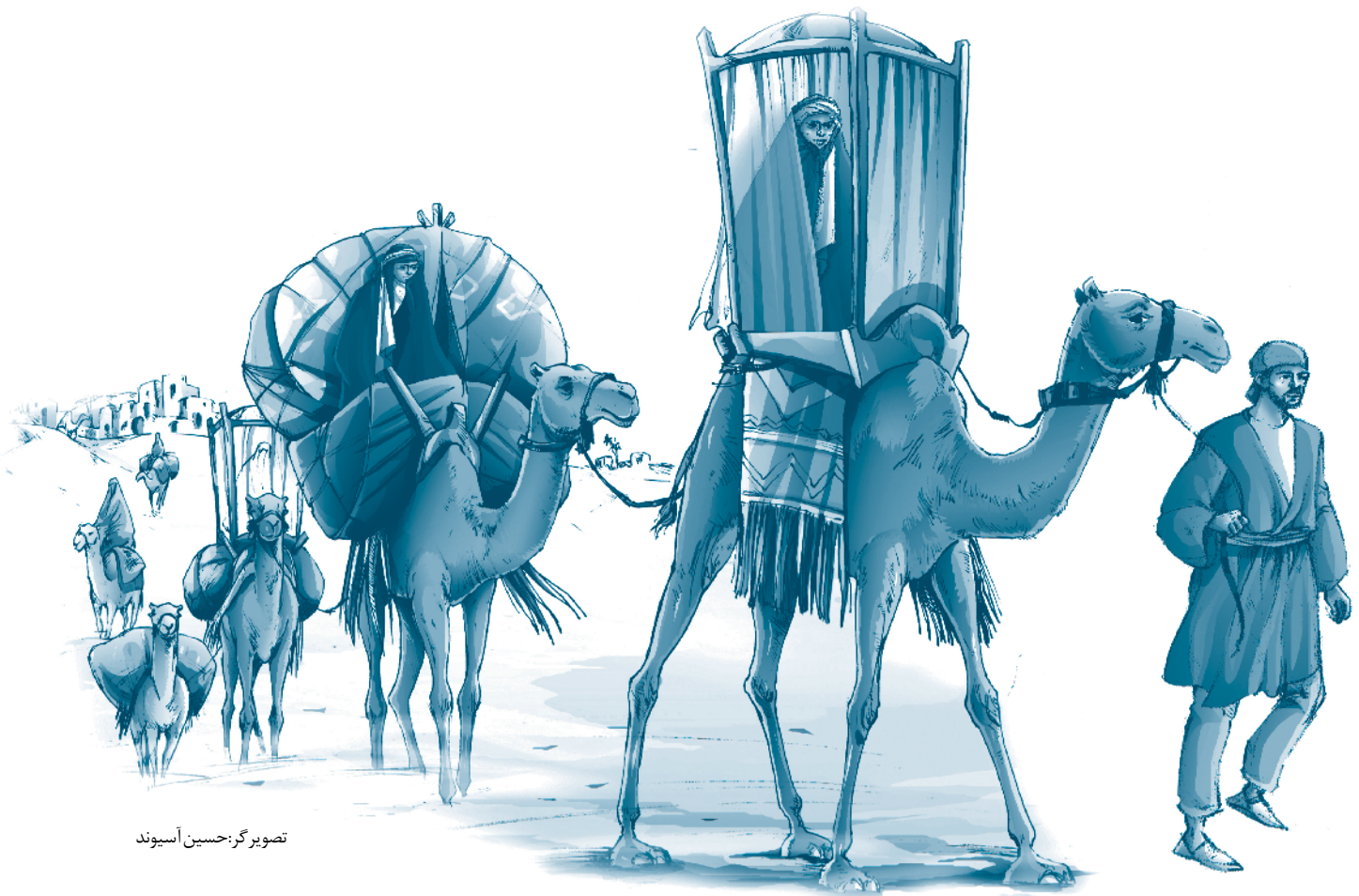
فرهنگ و آداب و رسوم، اوضاع سیاسی و اجتماعی، سرزمین‌ها و همچنین اطلاعات ارزشمندی در مورد جنگ‌های صلیبی و مناسبات مسلمانان با مسیحیان ارائه می‌کند.

ابن جبیر

ابوالحسین محمدبن جبیر دبیر و ادیب و نویسنده و جهان‌گرد اندلسی و عرب‌تبار بود، بنا به نوشته مورخان پدرش از دبیران حکومت موحدون اسپانیا (رضا، ۱۳۶۹: ۲۰۴) و خودش کاتب حاکم شهر بود، و چون حاکم او را مجبور به شریابخواری کرد ابن جبیر از ادامه خدمت پوزش خواست و قصد حج کرد. او ۳۸ سال داشت که به کشتی نشست و عازم حج شد. ابن جبیر ۳ بار به شرق سفر کرد. سفرنامه‌ای که از او باقی‌مانده با نام «الرحله الکنانی» شرح همین سفرهاست. (رضا، ۱۳۶۹: ۲۰۴) او در طول سفر دقت خاصی در ضبط تاریخ ورود به هر شهر و نیز توجه خاصی به مزارها و مکان‌های مقدس داشته است. هدف او از این سفر رسیدن به حجاز

و انجام مراسم حج بوده است. ابن جبیر زمانی به این مسافرت رفت که صلیبیان در شام بودند، لذا مشاهدات وی از شهرهای شام منبع بسیار خوبی برای شناخت وضعیت ناحیه شام در آن مقطع زمانی است. کتاب او شامل مطالبی درباره شگفتی‌های سرزمین‌ها، آثار هنری و اوضاع سیاسی و اجتماعی است: او به زیبایی به توصیف مساجد، مناسک حج، مجالس وعظ، معابد، دژها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها پرداخته است. یکی از نکات جالب سفرنامه، اظهارنظرهای ابن جبیر در مورد **ایوبیان، فاطمیان و موحدون** است. او از نورالدین زنگی و اقداماتش به نیکی یاد می‌کند و صلاح‌الدین را در همه جای سفرنامه می‌ستاید. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۱۱)

ابن جبیر در آغاز سفرنامه‌اش می‌نویسد: «خداوند به فضل و کرم خود ما مسافران حجاز را به سلامت و عافیت دم‌ساز فرماید» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۶۵) او از عالمان قرن ۶ هجری در غرب عالم اسلامی و مردی دین‌دار و متعصب و حافظ قرآن بود و چون به آیات قرآن و ادبیات عرب احاطه داشت در



تصویر گر: حسین آسیوند

همه‌جای سفرنامه از آیات و یا شعری از شاعری و یا از اشعار خود استفاده کرده است. ابن جبیر صراحت عجیبی دارد و از مفاسد اجتماعی که در جاهای مختلف می‌بیند بی‌پرده سخن می‌گوید. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۴۵-۱۴۲) او هدف خود را از نگارش سفرنامه ارائه اطلاعات سودمند در باب راه‌های زمینی و دریایی، اوضاع اجتماعی، آثار تاریخی و آداب و سنن مردم بیان می‌کند؛ به طوری که در بسیاری از موارد خواننده را از بعضی سفرها در بعضی ایام سال یا به بعضی مکان‌ها بر حذر می‌دارد. او سرانجام و در سال ۶۱۴ در اسکندریه دیده از جهان فرو بست.

ابن بطوطه

ابن بطوطه سفر تاریخی خود را به سال (۷۲۵، هـ) از زادگاهش شهر طنجه آغاز کرد (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۳۶) و ۳۰ سال از عمر خود را بی‌وقفه در سفر گذراند. با توجه به مشکلات حمل و نقل در گذشته باید ابن بطوطه را به خاطر این مسافت‌های طولانی و البته پرمخاطره ستود. او سفرش را در ۲۱ سالگی شروع کرد و توانست اغلب سرزمین‌های اسلامی آن زمان را ببیند، (با توجه به مرزها) و سرانجام سفرنامه‌اش را به صورت کتاب با ارزش «تحفةالمنظار فی غرائب الامصار و العجايب الاسفار» بنویسد. باید دانست که ابن بطوطه در سفرهایش یادداشت‌برداری نمی‌کرد و از حافظه خود استفاده می‌نمود. نحوه نگارش و انشای سفرنامه بدین صورت بوده است که او بعد از برگشتن به کشورش خاطرات خود را برای **ابن جزی** دبیر دربار سلطان ابوعنان (پادشاه مراکش) شرح می‌داده و ابن جزی گفته‌های او را خلاصه کرده و یادداشت می‌نموده است. ابن بطوطه این ضرب‌المثل شرقی را که «کسی که زیاد سفر می‌کند بیش از کسی که زیاد عمر می‌کند آگاهی دارد.» را زیاد تکرار می‌کند. سفرنامه او از سه جهت بر سفرنامه‌های دیگر برتری دارد: ۱. از جهت وسعت دامنه سفر که از آفریقا تا چین را شامل می‌شده، ۲. از جهت طول مدت سفر که نزدیک به ۳۰ سال طول کشیده، ۳. از جهت ضبط صادقانه آنچه در ممالک اسلامی و غیراسلامی مشاهده کرده است. او مورخ یا جغرافی‌دان نیست ولی در سرتاسر سفرنامه حوادث تاریخی و موضوعات جغرافیایی ارزشمندی مثل موقعیت شهرها را نوشته است، که برای جغرافی‌دانان کاربردهای بسیاری دارد. (آرام، ۱۳۵۹: ۱۶) وی برخلاف بسیاری از مؤلفین زمان خود که از توده عظیم مردم به راحتی چشم‌پوشی می‌کردند، به مردم

سفرنامه ابن بطوطه حاوی اطلاعات تاریخی مهمی پیرامون سرزمین‌های اسلامی در سده هشتم هجری است مثل سفر او به چین و یا بخش‌هایی که به ایران سفر کرده، برای ما ایرانیان حاوی نکات بسیار جالبی است

عادی توجهی ویژه داشته و در همه‌جای سفرنامه از مردم و کسب و کار آن‌ها صحبت کرده است، به خصوص علاقه خاصی به قاضیان شهرها داشته است؛ چرا که افراد خانواده خودش عموماً به آموزش علوم دینی و قضاوت اشتغال داشتند. ابن بطوطه زمانی به مسافرت در کشورهای اسلامی پرداخت که مدتی از یورش مغول‌ها به سرزمین‌های اسلامی گذشته بود، بنابراین اطلاعات مفیدی در مورد مغول‌ها و ایلخانان در ایران می‌دهد. او سرانجام بعد از ۳۰ سال گشت و گذار در سرزمین‌های مختلف در سال ۷۹۹ در زادگاهش طنجه دیده از جهان فرو بست.

بخش‌های تاریخی

سفرنامه ابن بطوطه از جمله سفرنامه‌هایی است که حاوی اطلاعات تاریخی مهمی پیرامون سرزمین‌های اسلامی در سده هشتم هجری است. سفر او به مناطق مختلف مقارن با حوادث مهم تاریخی آن روزگار بوده است، مثل سفر او به چین که در زمان آشوب بر ضد حکومت مغول بوده و یا بخش‌هایی که به ایران سفر کرده، برای ما ایرانیان حاوی نکات بسیار جالبی است. او از شهرهایی که دو بار عبور کرده مثل اصفهان و لارستان با جزئیات بیشتری سخن می‌گوید ولی از مناطقی که فقط یکبار عبور کرده بیشتر کلی‌گویی می‌کند. سفر اول تا سفر دوم او به ایران ۲۰ سال فاصله داشته است. سفر دوم او بعد از مرگ سلطان ابوسعید و آشفته‌گی‌های ناشی از آن بوده است. (اقبال، ۱۳۶۵: ۳۶۲) آنچه او از ایران، عراق و آسیای صغیر حکایت می‌کند با اسناد تاریخی، هم‌خوانی دارد. او کوشش محمد الجایتو برای به رسمیت شناختن مذهب شیعه را در سفرنامه‌اش آورده است. حکایت‌هایی که او از سفرش به هندوستان آورده، با نابوری مراکشیان و هم‌وطنانش روبه‌رو شد. ابن جبیر هم طی سه سفری که داشته اطلاعات مهمی در مورد سرزمین‌هایی که دیده در سفرنامه‌اش آورده است. مثلاً اطلاعات جالبی در مورد اهرام مصر، مجسمه ابوالهول و رود نیل می‌دهد. اطلاعات او به گونه‌ای است که بسیاری از مورخان مانند ابن خطیب مقریزی از آثارش بهره برده‌اند. **شیرینی** که، از نویسندگان کتاب مشهور مقامات حریری است، از شاگردان ابن جبیر بوده است. (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۳۰۶)

بخش‌های فرهنگی

در سفرنامه ابن بطوطه مباحث فرهنگی بسیار دیده

زن جادوگر مالدیوی و یا هیولای درنده‌ای که خون مردم شهر را می‌مکیده و جنازه را به دور می‌انداخته است. ابن جبیر اگرچه مانند ابن بطوطه به این مهم نپرداخته ولی در بسیاری از موارد در مورد باورهای مردم به خصوص در مصر به نکات جالبی اشاره می‌کند.

بخش اقتصادی

ابن بطوطه در لابه لای توصیفات که از شهرها ارائه می‌دهد به توصیف بازارها هم پرداخته است، مثلاً در مورد بازار جواهریان در تبریز می‌نویسد: «به بازار جواهریان رفتم. از بس جواهرات دیدم چشمم خیره گشت. غلامان خوشگل با جامه‌های فاخر... پیش خواجهگان ایستاده بودند و جواهرات را به ترکا نشان می‌دادند. این زنان در خرید جواهر برهم سبقت می‌جستند». و در جای دیگر به مراسم «شنبه بازار» اشاره می‌کند. او گاهی مانند یک تاجر به نکات ریزی در تجارت اشاره می‌کند. بازارها مورد توجه **ابن جبیر** هم بوده‌اند. او بازارهای بغداد را توصیف می‌کند که چگونه انبوهی از جمعیت در آن بازارها به کسب و کار می‌پردازند. وی «بازار منی» را این‌گونه توصیف می‌کند که در منی روز بازاری است. از بزرگ‌ترین بازارها که در آن از گوهر نفیس و درخشان تا خرمهره و دیگر کالاها و اجناس سراسر جهان را می‌فروشند.» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۹) مالیات و عوارض یکی دیگر از مواردی است که ابن جبیر به آن پرداخته است. وی عوارضی را که دولت عبیدیان از حاجیان می‌گرفته است هفت دینار و نیم بیان می‌کند و از فشاری که این عوارض برای حاجیان داشته است سخن می‌گوید. او می‌گوید اگر کسی این عوارض را پرداخت نمی‌کرد دچار شکنجه می‌شد. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۸۹). او عوارض را دو نوع نقدی و غیر نقدی بیان می‌کند این عوارض فقط شامل راه‌ها نمی‌شده بلکه حتی برای نوشیدن آب هم باید عوارض می‌پرداختند. برای هر یک از محصولات کشاورزی و یا صنعتی هم باید مالیات پرداخت می‌کردند که البته بیشتر غیر نقدی بوده است.

بخش جغرافیایی

ابن بطوطه اطلاعات جغرافیایی نیز از خود بر جای گذاشته است. او اطلاعاتی در مورد نام‌گذاری بعضی از مناطق هند می‌دهد. برای مثال در مورد هندوکش می‌گوید «هندوکش یعنی قاتل هندوها،



تصویرگر: وحید خاتمی

ابن بطوطه

می‌شود که دلیل آن را می‌توان موقعیت خاص ابن بطوطه در راهیابی به دربارها و همچنین اقامت بلند مدت وی در سرزمین‌ها دانست. در ایران جشن‌های شعبانیه بسیار مورد توجه ابن بطوطه قرار گرفته است. ابن جبیر هم مطالب بسیار جالبی در مورد آداب و رسوم مسلمانان، در جشن‌ها و عزاداری‌ها بیان می‌کند و به‌صورت دقیق در مورد آن‌ها توضیح می‌دهد. مثلاً جشن ماه رجب در مکه را به خوبی توصیف می‌کند. آنچه که در خصوص توصیفات ابن بطوطه و ابن جبیر قابل ذکر است توجه هر دوی آن‌ها به لباس‌ها و پوشش اهالی، در زمان جشن‌ها و اعیاد است. فال‌گیری و پیش‌بینی آینده هم از مواردی بوده که در آن زمان در بلاد مختلف به‌خصوص در جشن‌ها رواج داشته است. ابن بطوطه همچنین درباره‌ی روزهای نحس و سعد در هند و غیره نیز سخن گفته است. او در سفرش از عجایب گوناگون (که بیشتر از تخیلات خودش سرچشمه گرفته) صحبت کرده، همچون

چون بردگان و کنیزانی که از هند می‌آورده‌اند اغلب از شدت سرما و یخبندان در این کوه‌ها تلف می‌شده‌اند». او بیش از ۱۱۷،۵۰۰ کیلومتر راه پیموده (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲: ۱۲۳) و طبق مرزبندی امروز می‌توان گفت به ۲۴ کشور مسافرت کرده است. او بیشتر به نقاط کوچک دقت کرده و مخصوصاً در مورد راه‌های مشهد که خود در سال ۱۳۳۰ میلادی آن را پیموده توانسته راهنمای خوبی برای دیگر جغرافی‌دانان باشد. (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۶) از مهم‌ترین نکاتی که در کتابش ذکر شده، راه سنگ‌فرش منطقه بختیاری است. در سفرنامه او گزارش‌های مهمی در مورد بنادر و راه‌های مختلف وجود دارد. (گابریل، ۱۳۴۸: ۴۳) ابن بطوطه را می‌توان بنیان‌گذار جغرافیای شهری دانست چرا که او شهر «خنسا» را بر اساس فعالیت شغلی ساکنین آن ناحیه‌بندی و آن را به شش ناحیه تقسیم می‌کند. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۶۷۴) ناحیه اول محل سکونت نگهبانان (بخش ارتشی نشین) ناحیه دوم محل سکونت یهودیان و مسیحیان و آفتاب‌پرستان (اقلیت‌های مذهبی) ناحیه سوم محل سکونت مسلمانان (در این بخش موقوفاتی را نام می‌برد) ناحیه چهارم محل سکونت والی شهر (بخش حکومت‌نشین) ناحیه پنجم محل سکونت مردم عادی و محل تولید پارچه و حصیر و دادوستد (بخش تجاری و مسکونی شهر) و ناحیه ششم محل سکونت کشتی‌رانان و صیادان، که در ساحل رودخانه واقع است. سفرنامه او از غنی‌ترین منابع تحقیق جغرافیایی است به‌خصوص از لحاظ جغرافیای تاریخی.

ابن بطوطه تا ده درجه عرض جنوبی سواحل دریای سیاه و استپ‌های روسیه را دیده بود. او کمی کمتر از دو برابر محیط زمین را گشته بود. (ابن بطوطه، ۱۹۸۷: ۹) او در توصیف موقعیت شهر شیراز می‌نویسد: «شیراز شهری است قدیمی، وسیع و مشهور و آباد دارای باغ‌های عالی و چشمه‌سارهای پر آب و خیابان‌های خوب. در این شهر نظم و ترتیب عجیبی حکم فرماست». در سفرنامه **ابن جبیر** هم در مورد موقعیت جغرافیایی شهرها توضیحاتی داده شده است. اطلاعاتی که او در سفرنامه‌اش می‌دهد او را از دیگر سفرنامه‌نویسان قرن هشتم ممتاز کرده است، چرا که اکثر نوشته‌های جغرافیایی قدیم متعلق به جغرافی‌دان‌هایی است که در منطقه شرقی خلافت عباسیان می‌زیستند و گسترش این گونه آثار در سرزمین‌های غربی خلافت، از جمله

ابن بطوطه بیش از هر چیز به توصیف خانه خدا و مسجد الحرام و مسجدهای دیگر در مکه و مدینه پرداخته است در سفرنامه ابن جبیر هم توصیف او از مسجد جامع دمشق به قدری دقیق است که بعضی از سیاحان و نویسندگان عین توصیف او را از مسجد در متن نوشته خود نقل کرده‌اند

مغرب و اسپانیا، کندتر از شرق بوده است. او شیوه زندگی مادی، محیط، و شهرهای مسینا و تروپی (تروپیا - ایتالیا) را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و یادداشت‌هایی خواندنی در مورد دریای مدیترانه دارد. او از وضعیت سفرهای دریایی و وابستگی آن‌ها به بادهای فصلی و مشکلات ناشی از آن به تفصیل سخن می‌گوید.

بخش ادبی

سفرنامه‌نویسی به دلیل دارا بودن سبک داستانی روان و ساده، به‌عنوان یکی از انواع ادبی وارد ادبیات شده است. حکایت‌ها و قصه‌هایی که سفرنامه‌نویسان در تأیید و تأکید بر گفته‌های خود از آن بهره می‌گیرند اغلب برگرفته از فرهنگ عامه و به منظور سرگرم کردن و به هیجان آوردن خواننده و شنونده است، و اگر مقاصد فلسفی و تربیتی یا تاریخی هم داشته باشد در درجه دوم و سوم است. (محجوب، ۱۳۸۲: ۵۰) از آنجا که ابن بطوطه نویسنده و ادیب نبوده اثر وی از قید تکلف و صنایع ادبی آزاد است و اگر هم گاه به عبارات مسجع و متصنع در متن سفرنامه برمی‌خوریم، نتیجه دخالت‌های ابن جززی بوده که در آغاز فصل مربوط به هر یک از سرزمین‌های عربی، عباراتی از سفرنامه ابن جبیر را در وصف آن شهر عیناً نقل کرده است (ابن بطوطه، ۱۹۹۲: ۱۴۳) در سفرنامه ابن بطوطه حکایت‌ها و داستان‌های زیادی می‌بینیم، برخلاف او ابن جبیر که شاعر و حافظ قرآن بوده و در سرتاسر سفرنامه‌اش از شعرهای خود و یا دیگر شاعران عرب استفاده کرده است و کمتر در این سفرنامه قصه و حکایت می‌بینیم

زنان

یکی از خصوصیات بارز سفرنامه ابن بطوطه توجه او به زنان و نقش و جایگاه آنان در خانواده در جامعه قرن هشتم هجری است. او در این سفرنامه موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان را در آن عصر به خوبی نشان می‌دهد. روشن است که موقعیت اجتماعی زنان در تمام قبایل و جوامعی که ابن بطوطه از آن‌ها دیدن کرده یکی نبوده و در هر جامعه تفاوت‌های بارزی در نقش فردی و اجتماعی زنان دیده می‌شود. او بنا به رسم آن زمان شخصاً به حضور هر یک از زنان بزرگان و فرماندهان مغول می‌رسیده و همین امر باعث شده او به خوبی از جایگاه زنان در جامعه صحبت کند. مثلاً در جایی که صحبت از حضور زنان در انتخاب



ابن جبیر

ابن جبیر مطالب بسیار جالبی در مورد آداب و رسوم مسلمانان در جشن‌ها و عزاداری‌ها بیان می‌کند مثلاً جشن ماه رجب در مکه را به خوبی توصیف می‌کند

خان مغول شده، نشان‌دهنده موقعیت بالای این زن است. (اشپولر، ۱۳۸۶: ۳۹۶) اهمیت و شأن و منزلت اجتماعی زنان در میان مغولان تنها مختص به زنان طبقه بالای اجتماع نبوده بلکه زنان طبقه متوسط نیز دارای اهمیت و نفوذ زیادی در جامعه بودند و دوشادوش مردان در فعالیت‌های روزمره زندگی شرکت می‌کردند به همین دلیل زنان مغول نقش موثری در جامعه داشتند. ابن بطوطه مدتی را در دربار سلطان محمد اوزبک‌خان به سر برده و از نزدیک شاهد اهمیت زنان در مجالس رسمی و تصمیم‌گیری بوده است. او در جایی از سفرنامه‌اش درباره زنان مغول می‌نویسد: «چون خاتون‌ها به دیدار سلطان می‌آمدند او در برابر هر خاتون بلند می‌شد و دست او را می‌گرفت و او را بر سریر می‌نشاند.» در مورد خدم و حشم هر کدام از این خاتون‌ها مطالب جالبی می‌نویسد که برداشت می‌شود در آن عصر زنان سلطان در حرمسرا و دور از زندگی اجتماعی نبوده‌اند بلکه پایه‌پای پای مردانشان در تصمیم‌گیری‌های مملکت دخالت می‌داشته‌اند. البته

حضور زنان در اجتماع مخصوص زنان مغول نبوده و زنان دیگر هم فعالیت‌های اجتماعی داشته‌اند در شهر قسطنطنیه (استانبول امروزی) بیشتر فروشندگان زنان بوده‌اند. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۴۲۴) در خراسان نیز زنان دارای موقعیت خاص اجتماعی بوده‌اند به طوری که خود دارای استقلال و حقوق مادی داشته‌اند. ابن بطوطه می‌نویسد: خاتون ترابک همسر امیر قطلو زنی صاحب مکارم و نیکوکار بوده و مکانی برای اطعام مسافران داشت. همین زن در زمان ورود ابن بطوطه برای او مهمانی ترتیب می‌دهد: «این زن که یکی از صالح‌ترین و بهترین زنان است، بند پوستینی از سمور و یک رأس اسب برای من فرستاد و همسر قاضی شهر، جیحاآغا که خواهر خاتون ترابک بود یکصد دینار نقره به من داد.» (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۴۳۹) ابن بطوطه وقتی در مورد قبایل جنوب شرق آفریقا صحبت می‌کند، نشان می‌دهد که نگرش مردان به زنان در این منطقه از جهان اسلام بسیار متفاوت بوده است. در این مناطق مانند منطقه مالابار، حق توارث را از طریق مادر و زن هم جایز می‌شمردند و زنان هم در سلطنت شریک بودند و گاهی به مقام پادشاهی می‌رسیدند. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۳۵۲) او در بغداد از زنان عالمی که نقل حدیث می‌کرده‌اند نام می‌برد و از زنانی که در شیراز در مجالس حدیث شرکت می‌کردند گزارش‌هایی را بیان می‌کند (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۱۸) که نشان می‌دهد زنان تا چه حد به تعلیم و آموزش علاقه نشان می‌داده‌اند. ابن جبیر هم، اگرچه به‌طور جداگانه به این بخش از جامعه نپرداخته ولی در همه‌جای سفرنامه از زنان صحبت می‌کند. او در مورد بانوان ایرانی که به حج آمده بودند و به آن‌ها خاتون می‌گفتند توضیحاتی داده و یا در جشن‌ها در مورد پوشش زن‌ها صحبت کرده است. از جمله در مورد روز ۲۹ ماه رجب که زیارت درون کعبه تنها به زنان اختصاص داده شده می‌گوید و این روز را به خوبی شرح می‌دهد و اینکه زنان چگونه خود را برای زیارت آماده می‌کنند. در مورد پوشش مورد استفاده زنان در احرام هم توضیحات جالبی می‌دهد.

مساجد

یکی از موضوعاتی که این دو سفرنامه‌نویس به آن توجه نموده‌اند توصیف اماکن عبادی و مذهبی است. از جمله این اماکن مسجدالحرام است که هر دو از آن دیدن نموده و به شرح و توصیف آن پرداخته‌اند؛

به طوری که سال‌ها بعد کسانی از این مسجد دیدن کرده‌اند و با همان توصیفات روبه‌رو شده‌اند. چون هدف اولیه هر دو مسافر انجام فریضه حج بوده پس بیشترین توصیفات را در این قسمت می‌بینیم. **ابن بطوطه** بیش از هر چیز به توصیف خانه خدا و مسجد الحرام و مسجدهای دیگر در مکه و مدینه پرداخته است. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۷)

در سفرنامه **ابن جبیر** هم یکی از بخش‌های بسیار مهم که به آن توجه شده، مساجد است. توصیف او از مسجد جامع دمشق به قدری دقیق است که بعضی از سیاحان و نویسندگان عین توصیف او را از مسجد در متن و نوشته خود نقل کرده‌اند، زیرا عبارتی بهتر از آن نیافته‌اند. باید توجه داشت که مساجد تنها جایی برای عبادت نبوده بلکه بسیاری از حلقه‌های درس و مجالس و عظم در مساجد برپا می‌شده و البته جای امنی هم برای مسافران و بی‌پناهان بوده است. **ابن جبیر** در ابتدای توصیف خود از مکه می‌نویسد: «مکه که خدایش شرف افزاید به تمامی زیارتگاه‌ها، مشهدهی است ارجمند و کریم، و در شرف این شهر مقدس همین بس که خداوند آن را به میعادگاه و خانه بزرگ و گرمی خویش اختصاص داده و دعوتگاه خلیل خود ابراهیم فرموده است و آن شهر حرم امن اوست و همین بس که پرورشگاه پیامبر (ص) است.» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۹) او در قاهره از چهار مسجد دیدن کرده بود، در نماز جمعه مسجد جامع دمشق شرکت کرده و خطیب نماز جمعه را این گونه توصیف می‌کند: «وی برای ایراد خطبه جامه‌ای سیاه، به شیوه عباسیان پوشیده بود و لباس او شامل قبایی [بود] سیاه و بر روی آن عبایی از کتان سیاه که در مغرب به آن احرام می‌گفتند و دستاری سیاه بر سر و به سنت شمشیر در دست» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۷۹)

نتیجه‌گیری

شکی نیست که گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلامی و شکوفایی اوضاع اقتصادی و فرهنگی مسلمانان در سده‌های سوم تا هشتم هجری موجب شد که سفر و به دنبال آن سفرنامه‌نویسی افزایش یابد. امروزه سفرنامه‌های گذشتگان یکی از منابع دست اول در مطالعات تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی، و نیز منبع مناسبی برای مطالعه و تحقیق پیرامون تاریخ اجتماعی است، زیرا حاصل تماس مستقیم نویسنده با توده مردم بوده است. سفرنامه‌ها به جهت در برداشتن اطلاعاتی چون

آداب و رسوم و سنت‌ها و رخدادهای تاریخی، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند. توجه جهانگردان قدیم به جوانب مختلف زندگی مردم سبب شده که ما امروز برای سفرنامه‌های آنان اهمیتی خاص قائل باشیم، چرا که تصویری زنده از زندگی مردم ارائه می‌دهند. آن‌ها تنها به نوشتن تاریخ سلاطین نمی‌پردازند بلکه به زندگی عامه مردم توجه نشان می‌دهند. بخش زیادی از این سفرنامه‌ها شامل گزارش مناسبات بین مردم و نیز روابط اقتصادی و سیاسی میان آن‌ها در دوره زمانی معین است. سفر نامه‌ها اغلب خالی از نقص نیستند و گاه به دلایل شخصی و گاهی در نتیجه اشتباهات و برداشت‌های غلط، که بیشتر اوقات به دلیل تسلط نداشتن بر زبان و ادبیات کشور مورد بازدید بوده، صحت و اعتبار آن‌ها مورد تردید است، به طوری که میان آنچه که آن‌ها برداشت کرده‌اند با آنچه که واقعاً در آن کشورها وجود داشته اختلاف دیده می‌شود. ارزش اطلاعاتی که سیاحان و جهان‌گردان می‌دهند نیز یکسان نیست، همان‌طور که ارزش مطالب بیان شده در سفرنامه ابن بطوطه و ابن جبیر هم یکسان نیست، و این را باید ناشی از شرایط زمان و مکان، نوع حکومت‌ها و مسائل دیگر دانست.

منابع

۱. ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، رحله ابن بطوطه، تهران: انتشارات موسسه، ۱۳۵۹.
۲. ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، شرح و باورقی از طلال حرب، دار الکتب العلمیه، بیروت: ۱۹۹۲
۳. ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، رحله الکتانی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۴. انیسولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، چاپ نهم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
۵. اقبال، عباس؛ تاریخ مغول، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵.
۶. کمال الدین سمرقندی، عبد الرزاق؛ مطلع سعدین و مجمع البحرين، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۵۳.
۷. گابریل، الفونس؛ تحقیقات جغرافیایی در ایران، ترجمه خواجه نوری، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸.
۸. گابریل، الفونس؛ عبور از صحاری ایران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۹. کراچکوفسکی، ایکناتی یولیانوویچ؛ تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابولقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۰. مقبول، احمد نشتر؛ تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی، ترجمه محمد حسن گنجی، تهران: ۱۳۶۸.
۱۱. محجوب، محمد جعفر؛ ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۲.
۱۲. نامور مطلق، بهمن؛ سفرنگاره، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۳.
۱۳. رضا، عنایت‌الله؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی جلد سوم، چاپ اول، تهران: مرکز دائرة المعارف، ۱۳۶۹.
۱۴. بروینی، خلیل گنجوریان، فرشته؛ بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی، نشریه ادبیات تطبیقی شماره ۱، ۱۳۸۸.
۱۵. طباطبائیان، عطیه سادات؛ نقش و جایگاه زن در قرن هشتم تا تکیه بر سفرنامه ابن بطوطه، مجله تاریخ پژوهی، شماره ۴۹، ۱۳۹۰.
۱۶. نصیب، سید امیر علی؛ سفرنامه ابن بطوطه بر روایت مردم‌شناسی، نشریه کوشش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۱.
۱۷. سفرنامه ابن بطوطه، میراث پیشینیان، آشنایی با متون کهن، نشریه ادبستان فرهنگ و هنر، شماره ۵۶، ۱۳۷۲.